فصلنامه

سلجوق

پائیز ۱۳۹۹
سال دوم شماره سوم
The Autumn (October), 2020

فصلنامه فرهنگی اجتماعی - اوچ آیلیق مدنی و اجتماعی درگی - فارسی - ترکی و انگلیسی
A Quarterly Trilingual sociocultural Journal
(Turkish, Persian & English)

SALJUQ

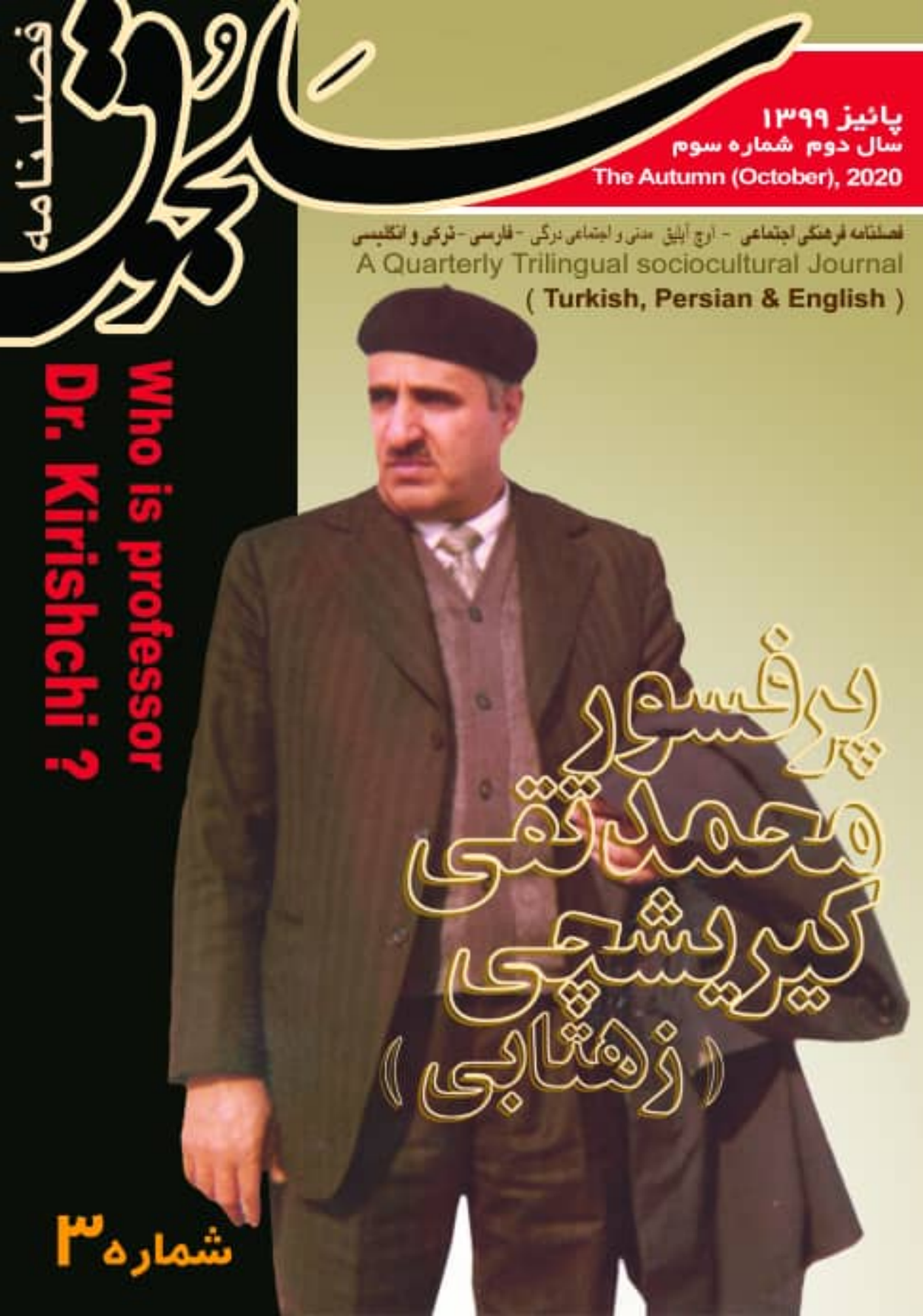

Who is professor Dr. Kirishchi ?

پروفسور محمدتقی کیریشچی (زهشابی)

The Autumn (October), 2020
3th
شماره ۳



قیمت ۲۰۰۰۰ تومان

مرکز نشر و نشریه و آژانس ادبی سلجوق
امام خیابانی - تپلی باغ دوراغیندان یوخاری - قوامین بانکی نین اوز به اوزو -
۱ نمره لی بینا - بیرینجی زنگ . تلفن نمره سی ۰۴۱۳۳۳۷۷۴۴۳ -- ۰۹۱۴۲۵۸۸۶۲۳
First floor, No.1, Bldg1, in front of Ghavamin Bank,
between Tapali Bagh & Aban 13th station, Emam Ave., Tabriz, Iran.
www.saljuqnashr.com



سلجوق/ **Saljuq**

اوچ آیلیق مدنی و اجتماعی درگی
فصلنامه فرهنگی- اجتماعی ترکی، فارسی و انگلیسی
A Quarterly Trilingual sociocultural Journal
(Turkish, Persian & English)

ایکینجی ایل، اوچونجو سایی، پاییز ـ ۱۳۹۹
سال دوم، شماره سوم، پاییز ـ ۱۳۹۹
2th yaer, 3rd No., Autumn -2020

قوروجو/ مؤسس: نازیلا جوادپور

امتیاز صاحیبی و مسئول مودورو/ صاحب امتیاز و مدیر مسئول: نازیلا جوادپور

باش یازار/ سردبیر: نازیلا جوادپور

یازان‌لار/ نویسندگان: پروفسور دکتر محمدتقی زهتابی، دؤکتور زهتابینین اثرلرینین نشر ائوی، مهندس حسن راشدی، دؤکتور ح. م. صدیق، نازیلا جوادپور، دکتر سیف الاسلام سلجوقی، پروفسور دکتر آیدین مدت اوغلو، پروفسور دکتر بهادر گوجو یتئر، پروفسور دکتر علی قافقاسیالی، پری ابراهیم زاده، دکتر توحید ملک‌زاده دیلمقانی، دکتر آراز محمد سارلی، دکتر خانگلدی اؤنق، دکتر امینه شیبائی، دکتر فرشاد مومنی، پروفسور دکتر امید اؤزداغ، عاطفه محمدی، آرازجوادپور، آینورصدیق، آیدین دومان

یارپاق دوزولوشو/ صفحه‌آرایی: آژانس ادبی و ترجمه سلجوق

چاپ‌خانا/ چاپخانه: سهند

باسقی سایی/تیراژ: ۲۰۰۰

قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان

قاپاق تاساریمی/طراح جلد: سید وحید فاطمی

ایچ تاساریمی/ طراح صفحات داخلی : حسن عبادی

قاپاق شکیلی مهندس اقدسینین اؤزل آرشیویندن/ عکس روی جلد از آرشیو شخصی آقای مهندس اقدسی



سخن مدیرمسئول/ نازیلا جوادپور ۴

مقالات اختصاصی

پروفئسور زهتابینین یاشاییشی اؤز دیلیندن/ دؤکتور زهتابی ۱۱

بؤیوک عالیم، شاعیر و تاریخچی پروفسور زهتابی/ دؤکتور زهتابینین اثرلرینین نشر ائوی ۱۶

میثلی آز گؤرونن فداکار اینسان/ مهندس حسن راشدی ۲۲

دیره‌نیش و صداقت تمثیلی اولان عالیم/ دؤکتور ح. م. صدیق ۲۵

زندگی پرفراز و نشیب پروفسور زهتابی/ نازیلا جوادپور ۳۱

چهره واقعی تاریخ تحریف شده ایران/ دکتر سیف الاسلام سلجوقی ۴۶

دانشمند شهیر ترک آذربایجانی، پروفسور زهتابی/ پروفسور دکتر آیدین مَدت اوغلو ۸۳

حفظ تاریخ در آثار ادبی و محمدتقی زهتابی/ پروفسور دکتر بهادر گوجویئتر ۹۲

محمدتقی زهتابی و تحقیقات وی/ پروفسور دکتر علی قافقاسیالی۱۰۰

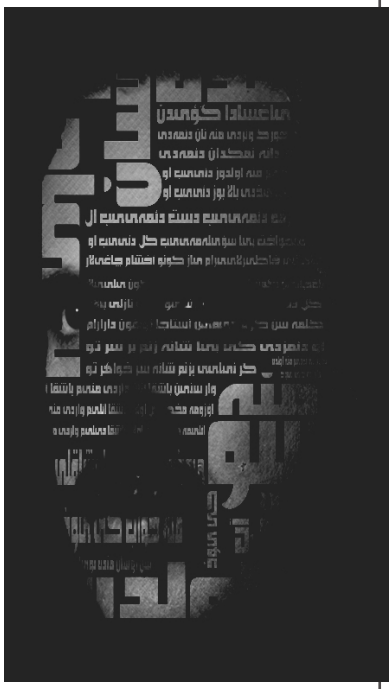

مقالات تاریخی

اجرام آسمانی در زبان‌های ترکی/ پری ابراهیم‌زاده ۱۲۲

سمبولیسم عدد ۹ در میان ترکان/ دکتر توحید ملک‌زاده دیلمقانی ۱۳۶

آبای و فراغی شاعران ملی دو ملت قزاق و ترکمن/ دکتر آراز محمد سارلی ۱۴۰

مختومقلی حلقه وصل تاریخ و ادبیات کلاسیک/ دکتر خانگلدی اونق ۱۵۱



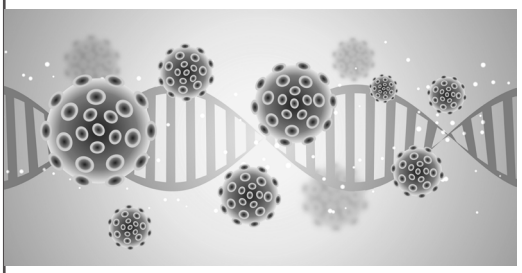

مقالات اجتماعی

پاندمیک کروناویروس و آسیب‌های اجتماعی از منظر علوم شناختی/ دکتر امینه شیبائی و دکتر فرشاد مومنی ۱۶۲

شیوع جهانی ویروس کرونا و دنیای دوقطبی/ پروفسور دکتر امید اؤزداغ ۱۷۱

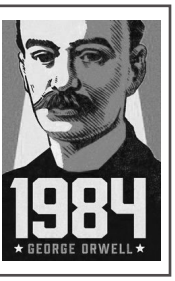

مقالات ادبی

Surveillance and Resistance in The Novel 1984/ Atefeh Mohammadi 178

نظارت و مقاومت در رمان ۱۹۸۴/ عاطفه محمدی ۱۷۸

حیکایه‌لر



بوستانچی ایله شاه عباس/ آراز جوادپور ۱۹۶

گنجلر چلنگی/ پروفسور دؤکتور زهتابی ۲۰۵

عادل انوشیروان ایله وزیرین حیکایتی/ آینور صدیق ۲۰۸



اوشاق ادبیاتی

اوشاق ادبیاتیمیزدان بیر نئچه اثرین تانیتیمی/ نورالدین مقدم (آیدین دومان) ۲۱۲



کیتاب تانیتیمی ۲۲۴

حفظ تاریخ در آثار ادبی

و

محمد تقی زهتابی



پروفسور دکتر بهادر گوجو یئتر/ عضو هئیت دانشگاه آتاتورک، دانشکده کاظم کارابکیر، ارزروم / ترکیه
Prof. Dr. Bahadır Gücüyeter Atatürk Üniversitesi Kâzım Karabekir Eğitim Fakültesi
Erzurum/TÜRKİYE

مترجم: گروه مترجمان آژانس ادبی و ترجمه سلجوق

علی رغم وجود تعاریف گوناگون، به نظر می‌رسد که جامعه انسانی عبور کرده از گذر تاریخ دارای یک زبان، یک فرهنگ و یک تاریخ مشترک می‌باشد. در حقیقت، اگر به طور دقیق به ایده این تعریف دقت کنیم می توان ملت را به عنوان یک اتحادیه اجتماعی که توسط افراد پیرامون متون تولید شده شفاهی یا کتبی که همه آرزوی مشترک زندگی کردن را دارند، بیان کرد.

با سپری شدن زمان در مسیر خاص خودش، آثاری از معلومات انسان‌ها و جوامع را به جای می‌ماند و این آثار پایه و اساس ایده زندگی مشترک را تشکیل می‌دهند. این سخن هنری برگسون که می‌گوید: «احوال روح من که در مسیر زمان رو به جلو می‌رود، مانند گلوله برفی است که به طور پیوسته در مسیر خود رشد می‌کند.» در مورد مفهوم روح، به نحوه شکل گیری حافظه فردی و اجتماعی اشاره دارد. همچنین جمله «لحظه‌های ممتاز» از برگسون، در مورد تشکیل حافظه فردی برای حیات یک ملت نیز صادق است. درست همان‌طور که لحظات ممتازی برای هر شخص وجود دارد که حافظه شخصی وی را تشکیل می‌دهد، نقاط عطفی نیز برای تشکیل خاطرات ملل وجود دارد. (برگسون، ۱۹۸٦: ص۱۳). با شروع از دوران حماسه این نقاط عطف از زبانی به زبان دیگر منتقل شده و باعث تشکیل حافظه تاریخی و ذهنیت یک ملت شده است. این حافظه که قبلاً از دهانی به دهان دیگر شایع گشته و منتقل شده بود، با پیدایش نوشتار وسیله جدیدی را برای انتقال پیدا کرد. با این حال، در گفتگوی فیدروس که افلاطون از زبان سقراط نقل کرده است، اظهار داشت که این کشف که تاریخ آن به مصر باستان برمیگردد یک «فارماکون» است یعنی هم علاج و هم سم می‌باشد.

سم، هم می‌تواند از طرف نویسنده و هم خواننده که اگر بخواهند با نیات مخرب ولی در ظاهر هنری دست به تولید و یا اشاعه محتوایی بکنند، تولید شود. یک متن پس از نگارش، زندگی مخصوص خود را صاحب می‌شود: این متن می‌تواند به دست مخاطبان نامربوط یا «نامناسب» برسد و این مخاطبان می‌توانند آن را به میل خود تفسیر کنند. این متن فاقد نویسنده خاص خود است. بنابراین، نویسنده این متن نمی‌تواند از خود در برابر سوء تفسیرها یا اتهامات احتمالی علیه خودش دفاع کند (مگنیون، ۲۰۱۷).

کلیدواژه ها: کیریشچی-زهتابی- ترکان ایران- ترکان- داستان-حکایه- طنز

توماس ر. پ. میلکه در رمان تاریخی «آتیلا، تازیانه خدا» در گفتگو بین آتیلا و ایبارز در مورد اینکه رومیان هون‌ها را بربر دانسته و سعی در بربر نشان دادن آنها داشتند این سخنان را زبان ایبارز نقل می‌کند: « کسانی که هنر نوشتار را دارند بهتر از کسانی که هنر بیان را دارند، می‌توانند دروغ بگویند! به خوبی می‌دانم که این مزخرفاتی که بر روی سنگ یا گلدان نوشته شده است

فقط به دلیل ترس، نفرت یا تهمت است! در این امپراتوری همیشه حق با کسی است که به نوشتن

مطلب واقف باشد، حتی اگر نوشته‌هایش از دروغ و هجویات تشکیل شده باشد. » (میلکه، ۲۰۰۰: صفحه ۷۱). نگاه کردن به قدرت نوشتار از این نظر قابل توجه است. همچنین در این زمینه، میلان کوندرا در اثر خود به اسم «کتاب خنده‌ها و فراموشی‌ها» چنین نوشته است: «محو و نابود کردن یک قوم با از بین بردن حافظه وی شروع می‌شود. آنها کتاب‌ها، فرهنگ و تاریخ خودرا نابود می‌کنند. بیگانه‌ها کتاب‌های دیگری برای آنان می‌نویسند، به آنها فرهنگ دیگری می‌دهند، تاریخ دیگری را برای آنان می‌نویسند. و بنابراین مردم به آرامی شروع به فراموش کردن هویتش و آنکه قبلا بوده است، می‌کند. دنیای اطرافش را نیز خیلی زود فراموش می‌کند.(کوندرا، ۲۰۰۳: صفحه ۲۲۰) این مطلب نشان می‌دهد که قدرتها حاکم به وسیله نوشتار ایدئولوژی و فکر خود را به مردم تحمیل کرده و تاریخ را آنگونه که خواست خودشان است بنویسند. با این حال نباید فراموش کنیم که تاریخ چیزی است که افراد غالب نوشته‌اند.

همانطور که قبلاً نیز اشاره شد، تاریخ‌های نوشته شده توسط تاریخ نگاران در واقع انعکاس دهنده دیدگاه فاتحان است. در این میان محمد تقی کیریشچی یکی از مهمترین نمایندگان گروه روشنفکرانی که مقابل پاک شدن حافظه تاریخی ترکان ایران ایستادند، می‌باشد که برای احیای تاریخی که دیگران سعی در فراموش شدن آن داشتند، تلاش فوق العاده و نادر انجام داد. کیریشچی که با نوشتن ده‌ها اثر علمی خود سعی در روشنایی بخشیدن به تاریخ ترکان ایران داشت در سال ۱۹٤٦ شعر «سن اوسان من ده بویام» را که با اسم « آنا دیلی» شناخته شده است (کافکاسیالی، ۲۰۰۲) نوشت که فریادی در این خصوص است.

بلی داش یاغسا دا گؤیدن...

فریاد در اینجا مظهر شورش و در عین حال مانیفست یک مجادله است. کیریشچی که در طول عمر خود به این مانیفست متعهد ماند، تحقیقاتی در مورد زبان، تاریخ و فرهنگ غنی ترک‌ها تحقیقات زیاد و مطالعات ارزشمندی را در این راستا انجام داد. بنابراین او به منظور بررسی ریشه‌های تاریخ ترکان و مطالعاتی در ایران و عراق انجام داد و نتایج مطالعات خود را در کتاب دو جلدی خود تحت عنوان «تاریخ دیرین ترکان ایران» گرد هم آورد. علاوه بر این، مطالعات پروفسور کیریشچی در زمینه ادبیات نیز بسیار غنی است. اشعار ترکی و متونی که نوشته است تأثیر زیادی بر جامعه گذاشت. (دکتر سلجوقی، ۲۰۱۹)

تاریخ رسمی-تاریخ تخیلی

همانطور که قبلاً نیز اشاره شد، تاریخ‌های نوشته شده توسط تاریخ نگاران در واقع انعکاس دهنده دیدگاه فاتحان است. یکی از بارزترین نمونه‌هایی که در اینجا به ذهن متبادر می‌شود، اتفاقی است که برای کارتاجالیها افتاده است. «کارتاجا که زمانی یکی از دو قطب حاکم بر دنیا بود و در مبارزه با قطب دیگر، امپراتوري روم شکست خورد، و بعد از شکست جان نگرفت. زیرا در آخرین جنگ پونیک با امپراتوری روم شکست خورد و در این جنگ کاملاً نابود شد. به طوری که هیچ چیز از کارتاجا باقی نمی‌ماند. به نحوی که رومیان تاریخ کارتاجا را نوشتند و کسی از آنان برای نوشتن تاریخ وجود نداشت . این سرنوشت کارتاجا بود که نتوانست تاریخ خود را بنویسد و خودش را معرفی کند.»

(کافکاسیالی، ۲۰۱۱: ص ٥٦) با این حال، واقعیت‌ها یعنی تاریخ افراد شکست خورده و قربانیان که در یک دوره‌ای زندگی کرده‌اند مورد بحث است.

خاطره چگونگی ثبت نام کیریشچی که در شرایط بسیار سخت زندگی کرده و آثاری را ارائه داد،

در دانشگاه باکو در سال ۱۹٥٤ از این نظر بسیار قابل توجه است. «بعد از چند روز در دانشکده زبان و ادبیات ثبت نام کرده و به تحصیل پرداختم. خوب یادم هستم، بعد از چند روز رئیس دانشگاه پروفسور دکتر یوسف محمدعلی مرا به دفترش فراخواند. او دانشمندی با شهره جهانی در زمینه شیمی بود، به کارنامه من نگاه کرد و پرسید: شما اینقدر نمرات عالی دارید ، چرا نمی‌خواهید شیمی بخوانید؟ در پاسخ گفتم: استاد محترم در زمان حاضر مردمم به این(زبان و ادبیات) بیشتر احتیاج دارند. از جایش برخاست و به سمت من آمد. با من دست داد و دستم را صمیمانه فشرد و برای من آرزوی موفقیت کرد. تا آن روز من در یک اتاق چهار نفره اسکان داشتم ولی با دستور او به من یک اتاق تک نفره دادند. به مدت پنج سال در آنجا، من از استادان بزرگ مانند مختارحسین‌زاده، شیرعلیاف، آقامعلی، یوسف معلم ، نصیر معلم در زمینه زبان مادریم‌ان و ادبیات‌مان علم آموختم.» (داغشهیرلی، ص ۶۲، ۲۰۱۷) این خاطره که بیان مشخصی از این واقعیت است که روزگار سخت شخصیت‌های بزرگ را تربیت می‌کند، از نظر نشان دادن میزان آگاهی کیریشچی به مسائل پیرامون خود بسیار با اهمیت است. در کتاب «یئنی حایات» اثر ضیاگؤک آلپ که در سال ۱۹۱۸ چاپ شد، وی در مورد روشن‌فکران وطن پرست این گونه نوشته است: «در دوران آگاهی، شعر سکوت می‌کند، و در عصر شعر، آگاهی باقی مانده است. دورانی که ما در آن زندگی می‌کنیم بیشتر نزدیک به دوران اول است.» (گؤک آلپ ۱۹۷٦ صفحه ۷). مشابه افقی که گؤک آلپ در سخنانش ترسیم کرده است، در این خاطره کیریشچی نیز با چنین موردی روبرویمان ظاهر می‌شود. در زمانی که مردم در جنگِ بودن یا نبودن به سر می‌بردند کیریشچی با درک نیاز مردم، لزوم قدم برداشتن در آن راه را اینگونه مجسم کرده است. کیریشچی در اثر خود با عنوان « تاریخ دیرین ترکان ایران» درباره شرایط سخت دوران خودش چنین می‌نویسد: «این مورخان نفرت، همراه هم‌کیشان و هم‌فکران خود حوادث تاریخی را به طوری که خوشایند اربابان‌شان و رئیسان‌شان و خواست شوونیست باشد به صورت غیرواقعی، معکوس و هدف‌مند علیه مردم ایران نوشتند. آنها همه ایرانیان و به ویژه قهرمانان، چهره‌های مشهور، افراد شجاع و رهبران مدبر جنبش‌های مردمی را مورد تهمت، بدنامی قرار دادند.(...) این مورخان که به سود حکومت پهلوی که بازیچه دست و تابع افکار امپریالیست بود، می‌نوشتند، تاریخ ایران باستان و اقوام ایرانی را که دانشمندان اروپایی ارائه کرده بودند به اسم قوم فارس ثبت کردند، وجود اقوام مختلف را در آن دوران انکار کرده، روی تاریخ آنان پرده کشیده و در نتیجه مانع بیداری شعور ملی در بین آنان شدند.» (زهتابی، ۲۰۱۰: صفحه ۲۰). محمد تقی کیریشچی همچنین تحقیقاتی در مورد تاریخ مغلوب شدگان و قربانیان به دست پهلوی که با حمایت امپریالیست اتفاق افتاده بود، انجام داد و تاریخ ترکان ایران را که حاکمیت سعی در نابود کردن آن داشت، زنده کرد. در هنگام پرداختن به تاریخ احیا شده توسط نویسندگان علیرغم بررسی تاریخ با روشهای علمی، آثار ادبی نوشته شده بر اساس واقعیت‌ها نیز باید مورد توجه قرار بگیرد . نویسنده آثار ادبی هنگام نگارش تاریخ ساختگی در دو نقطه متفاوت قرار می‌گیرد. نویسنده‌ای

که مسیر جمع‌آوری و نگارش خاطرات را از صفحات تاریک گذشته انتخاب می‌کند هم مشاوری است که می‌تواند به موارد مورد نظر در ناخودآگاه فردی در دوره زمانی مورد انتخابش دست یابد و هم روانکاوی است سعی می‌کند انگل‌های مقابل حافظه فردی و جمعی برطرف کند. در نهایت نویسنده‌ای که موانع مقابل حافظه مورد هجوم را برداشته و حرف‌های آن نویسنده موارد را تفهیم خواهند کرد. نویسنده از لحظه‌ای که شروع به نقل رویدادهای تاریخی می‌کند، به مرحله روایت حافظه قدم می‌گذارد.

«در مرحله بیان کردن حافظه وارد بخش زبان می‌شود: آنچه گفته می‌شود، آنچه به زبان می‌آید، روایت موضوعی است آن لحظه به خودش ارائه می‌دهد. با این حال این روایت به زبان مشترک، بیشتر به زبان مادری ارائه می‌گردد. باید گفت که این زبان دیگران است. صبحت کردن از لحظات کار آسانی نیست. » (ریکو، ۲۰۱۷: صفحه ۱۴۸)

حفظ تاریخ در اثر ادبی و کیریشچی

نویسنده یک اثر ادبی بدیع، می‌تواند با استفاده از امکانات زبانی مطالبی را که بنابر شرایط زمانه نمی‌توان آنها را به زبان آورد، در درون متن خود حفظ کرده و آنها را به نسل‌های بعد منتقل کند. نویسنده مشهور قرقیز، چنگیز آیتماتوف در رمان خود با عنوان «روزی به درازای یک قرن» این وضعیت را با سخن «چرخ زمان سرعت چرخشش را افزایش می‌دهد. با این حال، باید خودمان حرف آخر را برای نسل بعدیم‌ان بگوییم. برای این منظور، نیاکان ما افسانه‌ها و مثل‌ها را تولید کرده‌اند و خواسته‌اند که بزرگی خود را به نسل‌های بعدی بفهمانند. ما امروز، با نگاهی به این افسانه‌ها، درباره اجدادمان قضاوت می‌کنیم. البته آنچه من برای فرزندانم انجام داده‌ام با این مساله فرقی ندارد. افسانه‌های من سالهای جنگ من را توصیف می‌کند. آنچه اتفاق افتاد است و آنچه را که دیده‌ام یک به یک بیان می‌کنم. امیدوارم وقتی که بزرگ شدند آنها را بخوانند و درک بکنند.» (آیتماتوف، ۲۰۱۳، صفحه ۱۹۲) این جمله به وضوح مسئولیت نویسنده رمان و داستان در «عصر آگاهی» را نشان می‌دهد. در این مقاله سعی خواهیم کرد داستان‌هایی را که محمد تقی کیریشچی در کتاب « قوی اولسون اون» منتشر کرده است، از منظر ساختار انتقال تاریخ بررسی بکنیم.

نویسنده، مجموعه داستان «قوی اولسون اون (داستانها و خاطره‌ها)» را با نام مستعار م. میشوولو در سال ۱۹۹۳ توسط انتشارات ائلدار منتشر کرد. این کتاب با اسم واقعی نویسنده در سال‌های بعد منتشر شد. (کافکاسیالی، ۲۰۰۲: ۳۳۹) کیریشچی برای مقدمه کتاب عنوان «بیر نئچه سؤز» (سخنی چند) را انتخاب کرده است و در آن علت نگارش کتاب را این‌گونه بیان می‌کند: «خواننده عزیز! بیشتر داستان‌هایی که در این کتاب آورده شده‌اند در زمان، مکان و شرایط مختلفی و به طور عمده در گذشته و زمانی که در خارج از کشور به سر می‌بردم نوشته شده و اکثر این داستان‌ها در مجلات مختلف چاپ شده‌اند. اگرچه بعضی از داستان‌ها به دلیل دور بودن از شرایط کنونی ایران و آذربایجان غیر مانوس به نظر می‌رسند، صحنه‌هایی هستند که از زندگی جهان اسلام واقع شده‌اند. لزوم روشن شدن و بیان شدن صدمه‌هایی که به علت چپ‌گرایی در طول ۶۰ -۷۰ سال گذشته بر مردم‌مان وارد شد، با تشکیل حکومت اسلامی و حوادث حادث شده در دنیا به خوبی احساس شد. این خاطره ـ داستان‌ها قدم کوچکی است در این مسیر.»

در این کتاب ۱۲ اثر وجود دارد. از میان این آثار، «قوش‌لار کندی (روستای

پرنده‌ها)» داستانی است که توسط محمد علی فرزانه نوشته شده است.
کیریشچی این وضعیت را در مقدمه کتاب به شرح زیر توضیح می‌دهد: «بعضی از جوانانی که مشتاق نوشتن داستان هستند، معمولاً سوالاتی از نثر ادبی، نثر بدیع و ویژگی‌های داستان از جمله، ساختار، شکل و مضمون می‌پرسند و داستان‌هایی را که نوشته‌اند خوانده و از در مورد زبان و بدیعی بودن نثر نظر می‌خواهند. داستان «قوش‌لار کندی» که در این کتاب آورده شده است یک مورد از این داستان‌ها است. با توجه به قابلیتی که از نویسنده این داستان آقای «فرزانه» دیدم، با اجازه وی این داستان را در کتاب آورده‌ام.

ای کاش شرایط طوری باشد که نوشتن را ادامه دهد.»

همانطور که گفته شد، ۱۲ اثر در کتاب جای گرفته است. که اسم‌شان در زیر می‌آید:

1-قوی اولسون اون (بگذار ده بشود)

2-آللاه منی باغیشلا (خدایا مرا ببخش)

3-حاجی صمدخانین مؤهرو (مهر حاجی صمدخان)

4-رجب تک دئییل (رجب تنها نیست۹)

5-ترپشمه (تکان نخور، تکان خوردن)

6-تلفونلاشما(تلفن کردن)

7-حقیقت‌لر دیله گلنده (زمانی که حقایق به زبان می‌آیند)

8-مکران پولیسی نیه لغو اولوندو (چرا پلیس مکران لغو شد)

9-بمپور داغلاریندا نه گؤردوم (چه چیزهایی در کوه‌های بمپور دیدم)

10: صمد وورغوندان بیر خاطیره (خاطره‌ای از صمد وورغون)

11: اؤغرو کیم ایدی (دزد چه کسی بود)

12: قوش‌لار کندی (روستای پرنده‌ها)

وقتی داستان‌های کتاب مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند، معلوم می‌گردد که هدف واقعی کیریشچی تولید آثاری با بیان هنری و با ارزش ادبی بالا نیست بلکه هدف اصلی آن انتقال پیام‌هایی است که به طرز ماهرانه‌ای درون این داستان‌ها گنجانده شده تا در اختیار نسل آینده قرار بگیرد تا از این طریق نیاز واقعی ملت خود را برآورده کند.

در داستان با عنوان «قوی اولسون اون» که نام این کتاب نیز از این داستان گرفته شده است، در راس مهمترین عناصر داستان که جلب نظر می‌کند، مشکل چاپ مطبوعات به زبان ترکی قرار دارد. نویسنده در مقام راوی و از دید حاکم سعی دارد آنچه را که در اطرافش اتفاق می‌افتد، برای خواننده خود بازگو کند. در محل کار جدید سه نفر توجه نویسنده را که همکاران خود را تحت

نظر گرفته است، به خود جلب می‌کند اما وی فقط یکی از آنان یعنی آقای صفرزاده را در متن داستان قرار می‌دهد. وی در ادامه با بیان اینکه حتی نام این دو نفر را به خاطرش نمی‌آورد، بر این وضعیت تأکید می‌کند. زیرا نویسنده احساس می‌کند که آن دو نفر غیرقابل اعتماد، ریاکار و عصبی هستند، در حالی که صفرزاده بر خلاف آنها به عنوان یک مرد که خودش و حرفش یکی است، به خواننده معرفی می‌شد. سؤال اصلی که در اینجا پیش می‌آید این است که چرا صفرزاده اینگونه مورد توجه قرار گرفته است. در اینجا نویسنده خواسته دو پیام را از طریق صفرزاده به خواننده منتقل کند. اولین پیام درخواست صفرزاده برای تهیه یک کتاب

ترکی برای همسرش است که از آذربایجان آمده و فقط خواندن و نوشتن ترکی را می‌داند و به غیر از ترکی به هیچ زبانی مسلط نیست. اوضاع همسر صفرزاده را از زبان صفرزاده چنین بیان می‌کند« آقای دکتر! همسر من اهل آن ور آب (آذربایجان شوروی) است، تا چهارده سالگی در آنجا به زبان ترکی تحصیل کرده است، همیشه آن روزها را در خاطراتش مرور کرده و برای خواندن کتاب ترکی می‌خواهد، گاهی اوقات به آرامی گریه می‌کند و اشک چشمانش مثل باران نیسان جاری می‌شود.» (صفحه ٦). در حقیقت این مساله فقط مشکل همسر صفرزاده نیست بلکه مساله کل ترکان ایران است. نویسنده با قرار دادن این وضعیت در داستان، قصد دارد این پیام را به ناخودآگاه خواننده منتقل کند.

پیام دوم گنجانده شده در داستان، نشان دادن عواقب بد جنگ است. با آنکه جنگ بین دولت‌ها اتفاق می‌افتد ولی قربانیان اصلی جنگ کودکان هستند. تحت مالکیت قرار گرفتن کودکان بدون سرپرست توسط خانواده‌ها ماهیتی است که دیدگاه نویسنده را تکمیل می‌کند. صفرزاده که پدر نه کودک است فرزند دهمی خود را از بین کودکان بی‌سرپرست قربانی جنگ انتخاب می‌کند، که این مساله دقت نویسنده را به خود جلب کرده است. در سایه این از طرف نویسنده پرتره «صفرزاده» ر ا ذهن خواننده ترسیم کرده و پیام خود را به طور ضمنی به خواننده انتقال می‌دهد.

داستان‌های دوم و سوم این کتاب با عنوان «آللاه سن منی باغیشلا» و «حاجی صمدخانین مؤهرو» نامگذاری شده‌اند. این دو داستان از نظر شخصیت اصلی مشترک هستند. در هر دو داستان، فرماندار تبریز حاجی صمد خان نقش اول داستان است. در این داستان، حوادث پیرامون جنبش مشروطه، که به رهبری ستارخان آغاز شد و با مداخله تزاریست روسیه سرکوب شد نقل شده است. روس‌ها جنبش مشروطه را سرکوب کردند و حاکمیت توسط فرماندهان خود مردم را شکنجه کردند. یکی از این حاکمان حاجی صمد خان است. این مساله به وضوح در مطلع داستان بیان شده است. « نه ماه از عاشورای خونین مشروطه می‌گذرد. نه ماه است که جلادهای فرماندار تبریز، حاجی صمد خان، که توسط تزار روسیه تعیین شده است خون مردم قهرمان تبریز را تو شیشه کرده‌اند. وقتی این عبارات را با فکر نویسنده درآمیزیم پیام که قصد اصلی نو پدیدار می‌شود. نویسنده اظهار می‌دارد که کسانی که بر جغرافیای ایران حکمرانی می‌کنند دولت‌های ایرانی نیستند بلکه در واقع نیروهای خارجی هستند. آنچه در اینجا قابل توجه است این است که قدرتهای خارجی‌این وظیفه را به افرادی که از درون جامعه‌ای که می‌خواهند برای تسلط خود انتخاب کنند می‌سپارند نه بر افراد خودشان. زیرا کنار اسم صمدخان عبارت «حاجی» نیز آورده شده است. در مطلع داستان، نماز طولانی مدت حاجی صمدخان نظر کیریشچی را به خود جلب کرده است. در این‌جا، نویسنده وضعیت موجود را با تعریف «سنگ سفید در برنج» توضیح می‌دهد.

تـزار روسـی بـرای ارعـاب مـردم قهرمـان تبریـز، مجـدداً یـک فرمانـدار اهـل تبریـز را منصـوب کـرد و آزار و شـکنجه‌ها را توسـط وی انجـام داد. بـه عـلاوه، حاجـی صمدخـان کـه بـه عنـوان فرمانـدار منصـوب شـده اسـت حتـی نمی‌توانسـت اسـناد رسـمی را امضـا کنـد و بـه گفتـه نویسـنده فـردی بی‌سـواد بـوده اسـت.

زهتابـی در داسـتان «حاجـی صمدخانیـن مؤهـرو» ایـن وضعیـت را بـا نـگاه بدبینانـه بیـان می‌کنـد. نکتـه مهـم دیگـری کـه نویسـنده در ایـن داسـتان بـه آن اشـاره کـرده اسـت، ایـن واقعیـت اسـت کـه افـراد دسـتگیر شـده علـت دسـتگیر شـدن و چگونگـی قضـاوت شـدن خـود را نمی‌داننـد. عـلاوه بـر ایـن زندگـی افـراد بی‌گناهـی کـه زندانـی شـده‌اند، بسـته بـه یـک کلمـه زبـان حاکمان ظالم اسـت. در داسـتان «آللاه منـی باغیشـلا»، بخشـیده شـدن حاجـی

سـیدالمحققین اولاد پیغمـبر کـه بـه اعـدام محکـوم شـده بـود توسـط حاجـی صمـد خـان بـه علـت اینکـه جـد وی روز قیامـت دامـن حاجـی صمدخـان را نگیـرد، مثـال واضحـی اسـت کـه وضعیـت حاکـم را نشـان می‌دهـد.

داسـتان چهـارم کتـاب یعنـی «رجـب تـک دئییـل» از لحـاظ موضـوع مشـابه داسـتان «آللاه منـی باغیشـلا» اسـت. ایـن داسـتان در مـورد دسـتگیری ناعادلانـه جوانـی بـه نـام رجـب می‌باشـد و پـس از آن کمک‌هـای شـخصی بـه نـام کربلایـی اسـماعیل بـه خانـواده رجـب و حکایت‌هـای بعـد از آن را نقـل می‌کنـد. در ایـن داسـتان می‌تـوان نمونه‌هایـی از زندگـی قربانیـان بی‌عدالتـی، هـم چگونگـی مبـارزه افـراد انسان‌دوسـت علیـه بی‌عدالتـی و هـم چگونگـی آسـیب رسـاندن مخلوقـات شـیطان صفـت بـه دیگـر انسـان‌ها را مشـاهده کـرد. در ایـن داسـتان، نگـرش کربلایـی اسـماعیل و همسـر رجـب گولبَنیـز در مـورد ایـن وضعیـت بـد زمانـه، نمونـه از نگـرش افـراد آن دوران بـه بـی عدالتی‌هـای حاکـم بـر جامعـه اسـت.

در داسـتان «ترپشـمه» کـه از دیـد ناظـر بیـان می‌شـود، خاطراتـی از دوره سربـازی نویسـنده نقـل می‌شـود. در ایـن داسـتان، موضـوع ممنوعیـت زبـان ترکـی، کـه یکـی از اساسـی‌ترین مشـکلات ترک‌هـای ایرانـی اسـت مطـرح شـده اسـت. «اسـکندر»، یکـی از دو قهرمـان اصلـی داسـتان، سربازیسـت بـا پوسـت تیـره، بـا سـبیل سـیاه و بـدن پوشـیده از مـو. عـلاوه بـر ایـن، اسـکندر بـه عنـوان یـک درجـه‌دار تنبـل کـه قـادر بـه آمـوزش سربـازان خـود نیسـت بیـان می‌شـود. نفـر دوم کـه توسـط نویسـنده بـه خواننـده معرفـی شـده اسـت «پـولاد»، یـک سربـاز بـه تمـام معنـا اسـت. پـس از شـکایات مـداوم اسـکندر در مـورد پـولاد، توجـه نویسـنده بـه رابطـه ایـن دو معطـوف می‌شـود. نویسـنده ابتـدا علـت ایـن شـکایت‌ها را تـرک بـودن پـولاد بیـان.می‌کنـد. نویسـنده بـرای توصیـف ایـن وضعیـت، یـک صحنـه از داسـتان را چنیـن بیـان می‌کنـد: «روزی سربـازان مشـغول تمریـن در میـدان بودنـد. پـولاد در یـک طـرف بـه سربـازان خـود تعلیـمات مـی‌داد. بـا اینکـه تمامـی فرمان‌هـا بـه زبـان فارسـی بـود ولـی در ایـن میـان گاهـا کلـمات ترکـی نیـز اسـتفاده می‌کـرد. خصوصـا هنگامـی کـه کلمـه «ترپشـمه» را ادا می‌کـرد، اسـکندر کـه کمـی دورتـر در آن سـمت مشـغول تعلیـم سربـازان فـارس بـود، برگشـته و چـپ ـ چـپ بـه پـولاد نـگاه می‌کـرد، زبانـش رو می‌چرخانـد و آهسـته بـه پـولاد دشـنام مـی‌داد. نزدیـک پـولاد رفتـم و بـه او گفتـم: پـولاد! مگـر نمی‌دانـی کـه بخشـنامه آمـده کـه سربـازان را بایـد صرفـا بـه زبـان فارسـی آمـوزش داد، بایـد بـا آنهـا بـه زبـان فارسـی حـرف زد و حـرف زدن بـه زبـان دیگـر مطلقـا ممنـون اسـت؟! پـولاد دسـتش را بلنـد کـرد و گفـت: سرکار راسـت می‌گوینـد، مـن از بخش‌نامـه خـبر دارم، امـا ایـن سربـازان بـه جـز زبـان ترکـی زبـان دیگـری را بلـد نیسـتند، اگـر گاهـا معنـی کلـمات را نگویـم اصـلا چیـزی متوجـه نمی‌شـوند، نـه تعلیمـات جنگـی را یـاد می‌گیرنـد و نـه زبـان

فارسی را.» این سطرها از نویسنده به عنوان بازتابی از زندگی روزمره در شعر «سن اوسان من ده بویام» جلب نظر می‌کند. نویسنده تعارضات موجود در داستان را ادامه داده و با پیوند دادن حقیقت پیشینه این رویداد با وضعیت روزمره، داستان را تمام می‌کند. در واقع، حساسیت اسکندر به خاطر کلمه «ترپشمه» بوده است نه به دلیل ترک بودن پولاد. نویسنده این واقعیت را از زبان پولاد بیان می‌کند. روزی اسکندر که تمام بدنش پوشیده از مو بود، به حمام سربازان می‌رود. سربازان بدن پرموی اسکندر را دیده و می‌گویند: «چه پُر پشمه» و قاه قاه کشیده و می‌خندند. اسکندر که به این دلیل دیگر به حمام نمی‌رفت، هنگامی که کلمه «ترپشمه» را از زبان پولاد می‌شنید، احساس می‌کرد که از روی مسخره کردن این را به زبان آورده و خاطره حمام را در ذهن اسکندر زنده می‌کرد. به این ترتیب نویسنده مسئله زبان مادری ترک‌های ایران را با یک داستان طنز بیان می‌کند و توضیح می‌دهد که در بعضی مقاطع مشکلات فقط به سبب دلایل توخالی شخصی به وجود می‌آید.

نتیجه گیری اینکه محمد تقی کیریشچی از تمام امکاناتی که در اختیار داشت برای محافظت از زبان، فرهنگ و تاریخ خود در برابر فشارهای بیرونی و اطمینان از بقای آنها استفاده کرد. وی بر همه موانع غلبه کرد و آثاری از قبیل تاریخ دیرین ترکان ایران را تالیف کرد، به بهترین شکل ممکن مشکلات و مصائب مردمش را با زبان شعر بیان کرد و ماجراهای معاصر قومش را با نوشتن داستان جاودانه کرد. کیریشچی در راه مبارزه برای مردمش هیچ فرصتی را از دست نداد و با هر یک از آثار خود راه را برای آیندگان روشن کرد.

منابع

برگسون، هنری (۱۹۸۶). تکامل خلاقانه، انتشارات MEB آنکارا

سلجوقی، سیف الاسلام، (۲۰۱۹) مساله هویت و سیر تاریخی ترکان آذربایجان و ایران در آثار پروفسور دکتر کیریشچی. (۲۰۲۰,۰۶,۱۴)

گوک‌آلپ، ضیا (۱۹۷۶). زندگی جدید، راه درست، انتشارات وزارت فرهنگ. آنکارا

علی کافکاسیالی (۲۰۱۷). محمد تقی زهتابی و فعالیت های وی.

۲۸۵۱۰h.htm-https://www.tyb.org.tr/tyb-akademi-iran-ve-turkiye-sayisindan-ali-kafkasyali-akalesi.

کافکاسیالی، علی (۲۰۰۲). آنتولوژی ادبیات ترکان ایران، جلد پنجم، انتشارات دانشگاه آتاتورک. ارزروم

کافکاسیالی، محمد ساواش (۲۰۱۱). تجزیه و تحلیل جنبش های مردم تونس و مصر از منظر سیستم بین المللی. مطالعات اوراسیا: شماره ۴۰

کوندرا، میلان، (۲۰۰۳). کتاب لبخند و فراموشی (مترجم: ارهان بنر) انتشارات جان، استانبول.

ماگنیون، کلود (۲۰۱۷). درباره ارتباط بین مخاطب فایدروس و سبک زندگی فلسفی (ترجمه شده توسط متین بال)

۸۷letes%C-%Paidrosta.I%CC Mangion.C/۱۰/۲۰۱۷/uploads/content-wp/felsefe/tr.edu.deu.web//:http.pdf_Felsefi.Yas%CC%A۷am.Tarzi_C%A۷im.ve

میلک، ر. پ.، توماس (۲۰۰۰) آتیلای اول، تازیانه خدا، انتشارات یورت کیتاب، آنکارا

میشوولو، م. (دکتر محمد تقی زهتابی)، قوی اولسون اون، (داستان ها و خاطرات)، انتشارات ائلدار، تبریز- ۱۳۷۲.

ریکور، پائول (۲۰۱۷)، حافظه، تاریخ، فراموشی، انتشارات متیس، استانبول.

زهتابی، محمد تقی (۲۰۱۰) تاریخ دیرین ترکان ایران (آماده به چاپ توسط فرهاد رحیمی). انتشار IQ فرهنگ و هنر. استانبول



آبونه فورمو/ فرم اشتراک

ایللیک آبونه بدلی/ هزینه اشتراک سالانه
(۴ سایینی قاپسایاجاقدیر)
۱۶۰۰۰۰ تومن

ایللیک آبونه‌لیگینیز ۴ سایینی قاپسایاجاقدیر.
درگی یاپینلاندیقدان سونرا گئج ۱۵ ایش گونو ایچینده آدرسینیزه تسلیم ائدیله‌جکدیر.
آدرس یـا دا آبونه‌لیـک بیلگی‌لرینیـزی گونجلله‌مـک اوچـون ۰۹۱۴۲۵۸۸۶۲۳ تلفـون نومره‌سـی یـا دا saljuq.dergisi@gmail.com ، nazila.javadpour@gmail.com ایمیـل آدرس‌لری ایلـه ایلگـی قـورا بیلرسـینیز.

اشتراک سالانه شامل ۴ شماره می‌باشد.
مجله حداکثر ظرف ۱۵ روز کاری پس از انتشار، به آدرس مربوطه تحویل داده خواهد شد.
جهـت بـه‌روز رسـانی آدرس و اطلاعـات مربـوط بـه اشـتراک خـود می‌توانیـد بـا شـماره تلفـن ۰۹۱۴۲۵۸۸۶۲۳ و یـا آدرس ایمیـل nazila.javadpour@gmail.com و saljuq.dergisi@gmail.com تماس حاصل فرمایید.

آد و سـوی‌آد/ نـام و نام‌خانوادگـی:.....
آدرس:.....
تلفـن:..... پئشـه/ شـغل:.....
فیـش نومره‌سـی و تاریخـی/ شـماره و تاریـخ رسـید بانکـی:.....
آبونه سوره‌سی/ مدت اشتراک: (ایل/ سال) ۱ ۲ ۳
بانکا حساب نومره‌سی/ شماره کارت بانکی:
۶۰۳۷ ۶۹۱۶ ۷۶۶۵ ۳۸۵۰
نازیلا جوادپور، بانک صادرات

فصلنامه

سلجوق

پائیز ۱۳۹۹
سال دوم شماره سوم
The Autumn (October), 2020

فصلنامه فرهنگی اجتماعی - اوچ آیلیق مدنی و اجتماعی درگی - فارسی - ترکی و انگلیسی
A Quarterly Trilingual sociocultural Journal
(Turkish, Persian & English)

SALJUQ

Who is professor Dr. Kirishchi ?

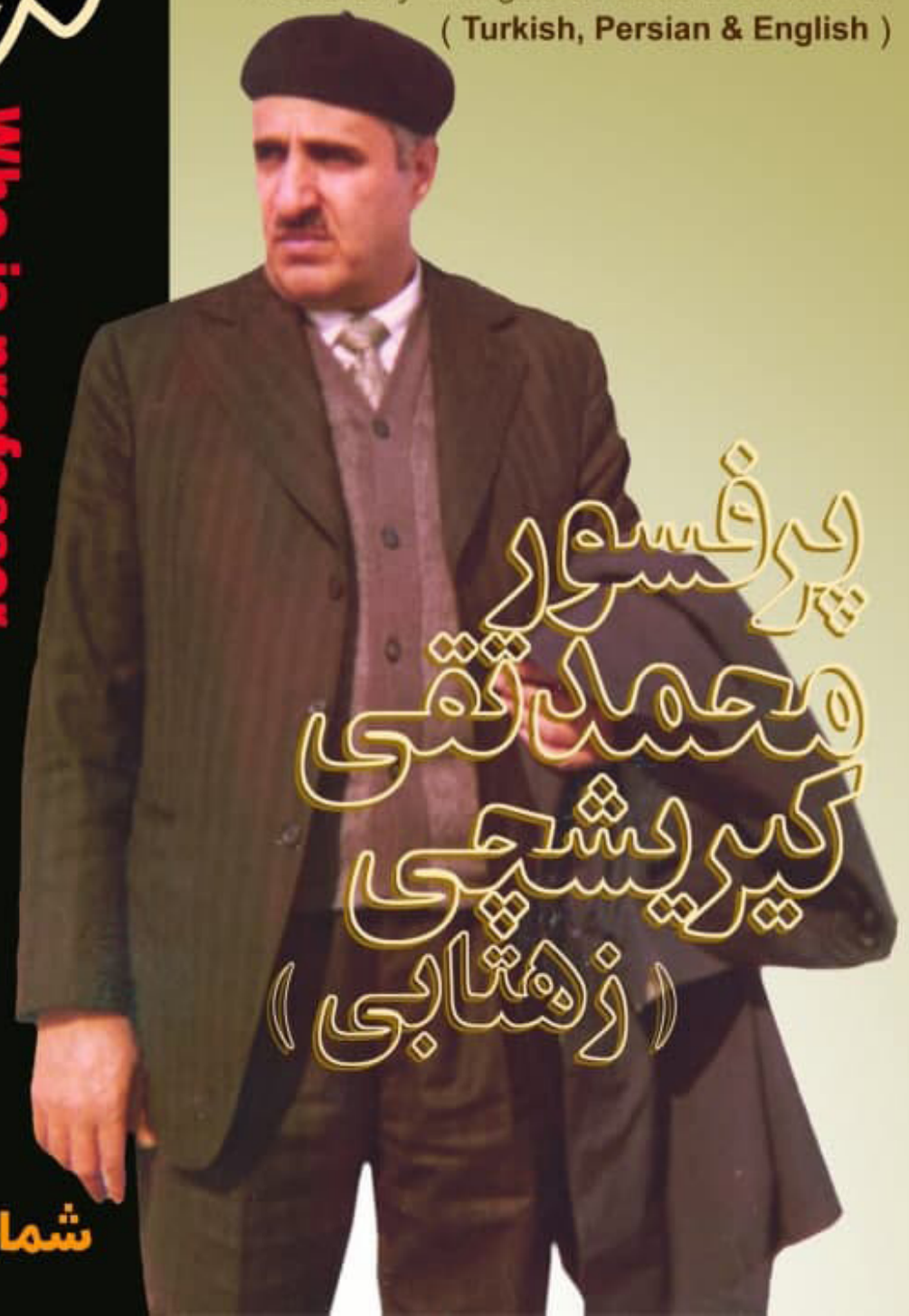

پروفسور دکتر محمدتقی کیریشچی (زهتابی)

شماره ۳

The Autumn (October), 2020

3th

قیمت ۴۰۰۰۰ تومان



مرکز نشر و نشریه و آژانس ادبی سلجوق

امام خیابانی - تپلی باغ دور اغیندان یوخاری - قوامین بانکی نین اوز به اوزو -
۱ نمره لی بینا - بیرینجی زنگ . تلفن نمره سی ۰۴۱۳۳۳۷۷۴۴۳ -- ۰۹۱۴۲۵۸۸۶۲۳

First floor, No.1, Bldg1, in front of Ghavamin Bank,
between Tapali Bagh & Aban 13th station, Emam Ave., Tabriz, Iran.

www.saljuqnashr.com